

منصور حکمت عزیز چرا بجایمان گذاشتی؟ هنوز هزاران کودک در خیابانها سرگرداند هنوز بیشترین انسانهای این دنیای وارونه نان شب ندارند؛ هنوز در این کره خاکی هستند کسانی که برای پایین نیامدن ارزش مواد غذایی خروارها مواد غذایی را به دریاها می ریزند یا می سوزانند و در گوشه ای دیگر هستند کسانی که با چشمان پر از اشک و حسرت از پشت شیشه های ویتترین رستورانها با شکمی گرسنه به غذاها نگاه میکنند و آرزویشان بو کردن این غذاهای خوش طعم است. هنوز زنان تحقیر می شوند، درجه دوم به حسابشان می آورند، وقتی برای سیر کردن شکم خود و خانواده شان به تن فروشی روی می آورند شغلان و روباه سفتان سرمایه، با مطبوعاتشان و با رسانه های گروهیشان، افکار جامعه را بر علیه آنها بسیج می کنند که سنگسارشان کنند، اعدامشان کنند و شلاقشان بزنند؛ فاحشه و هرزه و خرابکار بنامندشان. هنوز هستند هزاران هزار انسان شریف و آزاده که بر علیه این نظم نوین سرمایه برای آزادی و برابری و انسانیت و انسان دوستی مبارزه می کنند. هنوز هزاران خانواده به خاطر فشارهای اقتصادی و اجتماعی عزیزترین کسانشان را به اعتیاد کشاندند و این را در سطح میلیونی میشود دید که مافیای قدرت دولتی در خیلی جاها جوانان را معتاد می کند. هنوز هزاران دل پاک چشم انتظار سخنان شیرین شما و پیروزی تفکر و آرمان والای شما هستند. چرا این طبیعت باید در مقابل ما کارگران اینقدر ظالم باشد؟ چرا پدرها و مادرهای ما هزاران انسان مثل ما که زندگیشان را با مشقت و بدبختی به پیش می برند باید اینقدر بدشانس باشند؟ چرا گل سرسبد کارگران و تهیدستان را باید ازشان بگیرد؟ آخ ای دنیایی که روی پایه های واقعی خودت نیستی، آخ ای دنیای پر از ظلم و وارونه آخ!! ما عزم جزم کردیم که روی ستون واقعی خودت بگذاریمت، عزم جزم کردیم که شغلان و روباه سفتان مکار جهل و سرمایه را از صحنه قدرت سیاسی براندازیم. منصور حکمت عزیز این شهادت را این شجاعت را ، این پایداری و مقاومت را شما به ما آموختی؛ منصور عزیز، به ما آموختی که صریح و و سازش ناپذیر باشیم به ما آموختی که از مارکس به معنای واقعی دفاع کنیم. مگر خودت نمی گفتی که تمام فلسفه مارکس و

مارکسیسم این است که انسان با پراتیک آگاهانه خودش در جهت تغییر دنیای موجود بکوشد و مبارزه کند. شما بار دیگر با افزودن بهایت به مارکسیسم ، به یاری مارکس شتافتی و مارکسیسم و فلسفه مارکس را که در شدیدترین حملات راست زیر آوار بود بیرون کشیدی و داد زدی که مرگ کمونیسم را اعلام میکنند ولی زنده باد کمونیسم. شما و دنیای بهتری که برای ما نوشتی و بجا گذاشتی هنوز پرچم برافراخته ماست. این جنبش را شما شروع کردی و پایانش و و پیرویش را به ماسپردی. به شما قول میدهم که این پرچم را برافراشته تر نگاه داریم، قول میدهم با پراتیک خودمان قول میدهم مطمئن باش عزیزم.

در گذشت رفیق نادر ، منصور حکمت را به همه کودکان خیابانی به همه زنانی که در لحظه لحظه زندگیشان تحقیر و نابرابری را در این دنیای وارونه لمس میکنند به آن مادرانی که عزیزترین کسانشان را برای جنبش برابری طلبی از دست دادند، به پدرانی که شب و روز رنج و مشقت میکشند تا با لقمه نانی سفره خالیشان را رنگی کنند و شکم بچه هایشان سیر نمی شود، به همه آن انسانهایی که در این جنبش عظیم برابری طلبی سهم بودند و به آذر عزیز و بچه هایش به تمامی کادرها و اعضا و دوستداران حزب کمونیست کارگری تسلیت میگویم.

زنده باد منصور حکمت

زنده باد سوسیالیسم

خالد علی پناه کارگر کارخانه Esterella – یتوبوری سوئد

جمعه ۶ جولای



